

ابوعلی سینا

بقلم آقای درگاهی خاندانی کرمانی

کارهای علمی شیخ در ایام اقامت خوارزم آنچه

محقق است بقرار ذیل میباشد:

تالیفات حکیم

کتاب (التدارك لانواع خطاء التدبير) که برای

سهیلی وزیر نوشته است

مثنوی عربی در منطق که متجاوز از سیصد شعر است و در مصر

بحروف عربی بطبع رسیده نیز برای وزیر مشار الیه سروده است قیام الارض

فی وسط السماء را (معلق بودن زمین در فضا) نیز برای سهیلی تألیف نموده

و اینمقدار تألیف در مدت دم سال از مثل شیخ که طبیعیات

و الهیات شفا را در بیست روز نوشته است بسیار کم و غیر مهم بنظر

میاید مگر اینکه کتب دیگری هم در آنجا تألیف کرده که محل تحریر

تعیین نشده است و ظاهراً بهترین اوقات زندگانی شیخ ایام اقامت در

کرکابج بوده چه مامونیان را در تعظیم و تجلیل علم و توقیر علماء

مقامات محموده ایست که برای کمتر کسی از پادشاهان شرق سعادت

وصول بان روی داده است و در هیچیک از در بارهای شرقی اینقدر

از علماء و حکماء بزرگ که در عصر مامونیان در حضرت آنان گرد

آمده اجتماع نموده و این خود از عجائب و نوادر تاریخی است و برای

اینکه دانسته شود تا چه اندازه خوارزمشاه مامون مقید باحترام حکماء

بوده است حکایت ذیل ایراد میشود:

(بیهقی از ابو ریحان بیرونی نقل میکنند که روزی خوارزمشاه

سواره بمنزل من آمد همینکه باستقبالش شتافتم احتراماً خواست پیاده

شود رعایت ادب را در مقام منع بر آمدم فرمود « العلم من اشرف

الولايات باتیه کل الوری ولایاتی » یعنی علم از هر سلطنتی عظیم تر

و شریف تر است همه کس میبایست رو باستانه اش آورند و او روبکسی

نیارود) باری کتبی که شیخ در جرجان تألیف نموده است بقرار ذیل است قسمتی از قانون - موجز در منطق ایضاً موجز صغیر در منطق الزاریا (این رساله را برای ابوسهل مسیحی تألیف نموده است) [۱]

ارصاد کلیه (این کتاب را برای ابو محمد شیرازی تألیف نموده) مبدء و معاد (این کتاب را نیز برای ابو محمد شیرازی تألیف نموده است)

مدت اقامت شیخ در جرجان (گرگان) وری جمعاً دو سال میشود و در حدود سنه ۴۰۵ از یری بهمدان رفته دلیل بر این مطلب کلام ابو عبیداست که نوشته بعد از کشته شدن هلال بن بدر بن حسنویه و شکست لشکر بغداد شیخ بهمدان رفت و حادثه مزبوره را این اثر در عداد حوادث سال ۴۰۵ ضبط کرده است

تالیفات شیخ در یری آنچه در کلام ابو عبید مصرح است کتانی است در معاد لاغیر

اقامت شیخ در همدان هفت سال با کمی بیشتر بوده چه که در سنه ۴۰۵ بهمدان رفته و تا مردن شمس الدوله که در سنه ۴۱۲ واقع شده است در آن دربار مدتی را بوزارت و چندی را هم باختفاء و آزادی از قیود مشاغل بتالیف بسر برده و بعد از وفات شمس الدوله چنانچه قبلاً هم اشعار شد چهار ماه در قلعه فردجان محبوس و متوقف بوده است و بعد از آزادی باصفهان شتافته است

(۱) عنوان این رساله که برای ابوسهیل تألیف شده میرساند که ابوسهیل ایام اقامت شیخ در جرجان حیوت داشته و این دلیل میشود بر عدم صحت آنچه که عروضی در باب حرکت شیخ از خوارزم و هلاکت ابوسهیل نوشته است شگفت اینجاست که عروضی مینویسد شیخ از قواعد نجوم کم کردن راه و خطر های آینده را استخراج نموده در صورتیکه شیخ اصلاً منکر احکام نجوم و بطلان آن را عقیده داشته است و این خود یک دلیل دیگری است بر افسانه بودن حکایتی که در چهارم مقاله ایراد شده است .

و تالیفاتی که در همدان نموده است در صفحات قبل اشعار شده است و در ایام اقامت اصفهان بمشاغل دولتی نپرداخته و علاوه بر تالیف و تدریس و منادمت محضاً لله فقراء را معالجه مینموده است (۱)

شیخ در اصفهان تالیفات نفیس و مفیدی نموده که در سطور گذشته بآن اشاره شده و از آنجمله است کتاب انصاف در دفاع از ارسطو که در سنه ۴۲۱ لشکریان مسعود غزنوی آن را در ضمن بنه شیخ غارت کرده اند قبلابان مطلب اشاره شد که شیخ را بابو سهل مسیحی دوستی و محاطه بوده و کتاب زاویه را در جرجان بنام وی تألیف نموده اینک توضیحاً نگاشته میشود که در حین نگارش بتاریخ ادبیات عرب تألیف مسیو کلان هوارت (۲) مراجعه شد وی ابوسهل را در طب استاد شیخ مینویسد و هم او نوشته که مشارالیه از اهل جرجان (گرگان) و ناهش عیسی بن یحیی بوده است و در خراسان طبابت میکرد و در سن چهل سالگی در حدود سنه ۱۰۰۰ میلادی وفات یافته است (۳)

آقای میرزا محمدخان قزوینی هم در حواشی چهارمقاله در شرح حال ابوسهل مینویسد «ابو سهل عیسی بن یحیی المسیحی الجرجانی مولدوی جرجان بود و در بغداد تحصیلات خود را بتمام رساند وی یکی از مشاهیر حکماء و اطباء قرن چهاردهم هجری و یکی از اساتید شیخ ابو علی سینا است» بد بختانه نه مؤلف تاریخ ادبیات عرب و نه فاضل اخیر الذکر

(۱) درست بعکس اطباء این عصر ما که اگر دوسه ماهی بوزارت منصوب شدند دیگر شغل طبابت سابق را ترک گفته وجودی عاطل میشوند

(۲) Clément Nauart

(۳) قبلاً ذکر شد که شیخ در سنه ۴۰۴ به جرجان رفته و در آنوقت سی و دوساله بوده و در جرجان کتابی بنام ابوسهل تألیف نموده است و با این ترتیب لازم میآید که دوسال قبل از مسافرت شیخ به جرجان ابوسهل وفات یافته باشد و منافات آن بتألیف شیخ کتابی برای او در جرجان معلوم است.

هیچکدام سندی برای این نسبت ذکر ننموده از کلام شیخ و رساله ابو عبید هم چیزی دائر بر اینمعنی استنباط نمیشود و بنده نگارنده محض استقراء تمام يك نسخه خطی رساله ابو عبید را متعلق به کتابخانه مدرسه سپهسالار دیده و از بدو تا ختم مراجعه نمود اضافه بر آنچه که در تاریخ الحکماء و جاهای دیگر ابراد شده مطلبی نداشت



در آنموقع که قسمت سوانح عمری شیخ را بقدر
 - ۱ - مقدور شرح داده لازم است چند مطلب مهم
 اصل و نژاد او نیز اظهار شود راجع بهویت و نژاد شیخ اروپائی
 ها را اشتباهی روی داده که او را عرب مینویسند
 و این اشتباه ناشی از این است که کتب عمده شیخ چنانچه معمول بوده
 است بزبان عربی نگاشته شده در صورتیکه شیخ را بزبان پارسی کتاب و اشعار
 است و از آنجمله است کتاب دانش نامه علائی و کتاب دیگر بنام دانش مایه
 و دائرة المعارف بریتانی بعد از آنکه شیخ را از فلاسفه عرب شمرده
 مینویسد که از اصل ایرانی است و اینکه اسم مادرش ستاره بوده دلیل
 دیگری بر ایرانی بودن شیخ میباشد

چنانچه شیخ شخصاً تصریح میکند
 - ۲ - مذهب اسمعیلی تمایلی نداشته است و مشهور
 راجع بدیانت این است که زیدی بوده در هر صورت اسلام
 او محقق و تمایلش به تشیع هم معلوم است و
 در اشارات شرح مشبعی که اعتقاد او را به مبدء و معاد و نبوت
 کاملاً میرساند نگاشته و اعمال خیریه ای که در روزهای آخر عمر بجا آورده
 و ردّ مظالم و صدقه که داده و اعتکاف بر عبادت و تلاوت خلوص ایمان
 او را مدلل میدارد

شیخ را صفت اعتدال بوده است نه

۳ - مثل باره رجال باقتحام در مناصب و توسلات

زهد و جاه طلبی مایل بوده و نه مانند سلفش ابو نصر (فارابی)

و خلفش خیام بازوا و کناره جوئی از مقامات

دنیوی مصر بوده است و تصدی شغل وزارت را بر حسب تکلیف و اصراً

شمس الدوله نموده و بعد از وفات شمس الدوله با اینکه سماء الدوله

وزارت را باو عرضه داشت از قبول آن استنکاف ورزید و این خود میرساند

که چندان پای بست بمقام نبوده است .

با وجود تبخر در حکمت در «اشارات»

۴ - فصلی بعنوان مقامات عارفین نوشته و با شیخ ابو

تمایل بتصوف سعید ابوالخیر مکاتبات دوستانه داشته و از یک

فقره مکتوب که به ابو سعید نوشته معلوم میشود

که ابو سعید کاملاً او را محترم میداشته است و در این مراسله ناصح و

اندرزهای مفیدی به ابو سعید میدهد که ترجمه باره ای فقرات آن ذیل

اقتطاف میشود

» باید دانست که افضل حرکات نماز است و بهترین سکونات

روزه (۱) و سودمندترین نیکی ها صدقه است و بدترین مفساد

رباء . عمل نیک آن است که مبنی بر نیت خیر و خالص باشد

و نیت خالص از پیشگاه علم صادر میشود حکمت سرچشمه تمام فضائل

است و معرفت خدای تعالی اول اوائل و بر همه چیز مقدم است ارتکاب

لذات از اکل و شرب و غیره فقط برای احتیاج و تداری مطلوب است نه من

باب شهوت و لهو باهر کس باید مناسب طبیعت خودش معاشرت نمود

(۱) مراد از حرکت و سکون اعمال وجودی و عدمی میباشد که در اصطلاح نویسندگان

کنونی مثبت و منفی بجای آن رایج شده است

و حتی الامکان از بذل مال نبایستی مضایقت کرد و همواره بایستی از دیگران دستگیری نمود ولو مخالف آسایش شخصی باشد تقصیر در اوضاع شرعیه نارواست و تعظیم سنن آلهیه و مداومت تعبدات دینیّه فریضه و موجب طول عمر میباشد»

شیخ را در سیاست کشور و لشکر و اقتصاد کتابی

بوده است که بد بختانه نسخه آن در دسترس

سیاست
و اقتصاد

نگارنده نیست و معلوم است که يك چنین هوش

بزرگ با وسعت علم و عظمت نفس اگر مخدومی

مساعد میدید و مدت طولانی مدیر و سائنس میشد اصلاحات بزرگ مینمود

ولی با کمال تأسف زمان شیخ يك سلسله انقلاب و اضطرابات محلی

بوده است دولت ساهانی رو بزوال گذاشته بود و بالاخره منقرض شد

دیلمی ها بملوك الطوائف مبتلا شده و غالباً بین خودشان در زد و خورد

بودند خوارزمشاهان قریبانی مطامع محمود شدند کاس و شمشیر با همه

علم و فضل و سداد رای دچار محنت و نکبت شد مطامع محمود غزنوی

با خشونت طبیعی که داشت عرصه را در اصفهان هم بر شیخ تنگ نموده

و ترکتازهای سپاهیان او شیخ را مجبور بفرار از اصفهان نموده

و یکی از بهترین تألیفات او کتاب انصاف که بیست مجلد بوده است

دستمخوش بی انصافی نهب شده است

با این حوادث و اوضاع شیخ موفق باداره امور نشد در

صورتیکه اسلاف او ابوالفضل بن عمید و اسمعیل بن عیاد بواسطه

مساعدت اوضاع در سیاست توفیق و حسن تشاء تاریخ را نائل شده اند